

اختصار

۱۲۹۲

مطبعه و اداره خانه درخان والده دروازه
مخصوصه است

کتابی که برای درج کازت با اداره داده
شده و مطبع نشود و بجا بهش رز و نخواهد شد

کتابی که اجرت پوست ان داده نشده
است از جانب اداره قبول نخواهد شد

ثبت سالیانه شش مجیدیه سفید
شش ماه چهار مجیدیه سفید
یک نسخه ۳۰ پاره رایج است

اجرت پوست سالیانه در دانه سه و برای
خارج شش مجیدیه سفید افزوده نخواهد شد
غیر از روزهای جمعه و یکشنبه همه روزه
مطبع و نشر خواهد شد

این کازت از حوادث کون و از سیاست و پولتیک و از تجارت و علم و ادب و دیگر منافع مهمیه سخن خواهد گفت هر کس که بخواهد کازت را بداند و از احوالات عادی به سطره غرضش و از احوالات عادی به سطره غرضش خواهد شد

راستی و آزادی

عدل و راستی ننگه دارنده قانونها است . عدل را
دانستگ تال خداشناسی است . حکم عدل درجه
کارها مستقیماً جاری شود . جان قانونها عدالت
است . نتیجه یاساها و شرعها عدل و راستکاری
است .

عدل را در فارسی بنادعیه کنند . عدل جور نکردن
و اجرای امر و مالتی است که در نفوس و عقول
استقامت آن قائم باشد . عدل یعنی موازنه است .
عدل برابر کردن چیزی با چیزی است . و عدل کیل را
گویند بشرط آنکه عادل و درست باشد . و جزا
و عوض را گویند . عدل یعنی مساوات است .
عدل عبارت از راستی و استقامت است . اینها همه
معنهای لغوی عدل است . که در کتب لغت مذکور
گردیده و غیر از این هم معنیها دارد . که حالاً
تفصیل از آنها آوردن لزومی ندارد .

پس اعتدال و استقامت . در کارها و در معاملات
و احکام مساوات را لازم گرفته است . قانونی که
از روی عدل و استقامت گذاشته شده . و از روی عدل
و استقامت استعمال شود . کفالت جمله سعادتها
و سلامتها و شرافتها را تواند کرد . اینگونه قانون
عادلانه نص ناموس اعظم است . که میفرماید
(مستقیم باش چنانکه مأمور بان هستی)
عدل و مساوات ملازمان است . همچنین که از عدل
برابری خیزد . از برابری حریت زاید . و این دو
یعنی حریت و مساوات قانون عدالت را نگاه دارد .
بی مساوات و آزادی عدالت متصور نشود .
قائم نکردد . ثابت و دائم نباشد .

انون مقیاس کارها و معاملات و احکام است .
این مقیاس بلند و کوتاه نشود . همه موازنه هارا
بیک طور . و یک و تیره بجای آرد . در آنچه تعلق
بان تواند داشت . حکم خود را بساوی جاری سازد
این تساوی و برابری نیز در تحت قانون استقامت .
حکم بحریت و آزادی نماید . آزادی را نیز با استقامت
و عادلانه اداره کند . درین حال این سه حکم
درستکار بنظر و تعاون هم دیگر . در هر جایی که
تواند بهم پیوست . باعث استقرار حال یک بخشی
و سلامت و سعادت اقوام و ملتها شوند .

چون این عدالت در پیشوایان ملتی . که حاکم
بر اموال و نفوس و عرضهای بی نوع ماهرند .
بشرائط وحدودی که معین گردیده است دیده شود .
ایشان را صاحبان نفوس قدسیه توانیم گفت .
که وجود ایشان عز و تر و نایب تر از کبریت
احمر است . فرمودند (آیا کسی کبریت احمر را
دیده است ؟) مخاطب عرض کردی .

از اینها که گذشتیم چون عدالت مطلوبه در پادشاهان
عادل و سلاطین با عز و تمکین ظاهر گردد . بنام
سایه خداوند خوانده می شود . که بنام مظلومان
درگاه ایشان است . و ملجاء مظلومان سایه
ظل الهی ایشان . بل مظهر پادشاهی خدای
ایشانند . (پادشاهان مظهر شاهی حق)
و چون در ایران و هیئت مجموعه دولتی . و با خود
از شعبه های دولت در دیوان و محاکم داد خواهی
این عدالت باشد بر حسب نسبت آنرا به شرف
عدالت را مظهرها و عبارتها آورده شود که از جمله
آنها دواوین قدایه و عدالت خانهای منتظمه است
و این دواوینها اساساً برای اجرای مقاصد عایه
دولت تشکیل شده . و مقصود اصلی از تأسیس و بنای
آنها بجز اجرای احکام عدل و حقانیت و دادخواهی
چیز دیگر نبوده است .

باینکه مبنای دواوین عدالت بدان اساس قوی
و قسطاس مستقیم گذاشته شده است . می بینیم
باینکه اهمیت و اعتنائی که در حق عدالت و اجرای
احکام آن هست . و باینکه انتظام امور تعین
و زندگانی و مسدیت و امنیت و رعایت حقوق
و شرافت و اقتضایهای بی نوع عا تماماً و مطلقاً
بسته به تعمیم احکام عدالت و استقامت است .
در همه اقطار جهان احکام این عدل و راستکاری
بطور مقصود مجری نگردیده . و در هر قطری
ازین ~~کرة~~ خاک کاز انبای جنس ماهرند .
و بواسطه آسان شدن حصول آگاهی از حالات
هر معنی از آنرا فهمیده و دانسته ایم . هر گونه
معایب و نقصانها در ارکان عدالت و اجراء احکام
آنها موجود است . و در این حال تصور و تصدیق
توانیم نمود که این نقصانها و عیبا باعث بدبختیها
گردیده است . باز نقصان در اساس قوانین عدالت
است . و یا از سوء استعمالات که در احکام آنها
جاری میشود . و حکم این مطلب همچنانکه

اساس قانونها عدالت است . پایداری عدالت
بقانونها است . قانونی که مستقیم باشد و با استقامت
و راستی بکار برده شود . آن قانون حق و در تحت احکام
شریعت حقیقت است . احکام شریعتی که با استقامت
و اعتدال حقیقیه گذاشته شده است . هر کس سوء استعمال
در آن بکار برده شود و اغراض شخصی داخل در اجرا
آورد آن کرد . آنگونه احکام شرعیه از موضوعه
خود بیرون رفته از شارع راستی انحراف جوید .
که این سوء استعمال نیز در احکام شرعی
باشند مختلفه و جهات شستی . ممکن تواند بود .
لاجرم شریعت و قانون را احکامی درجه امور
خواهد بود که انتظام آن امرها منوط بحسن
استعمال قانون و شریعت است . و مستقیم و عادلانه
بودن اجرای احکام مقرر آن . و همچنین که
عدالت حاکم بقانونها است . قانونها و شریعتها
نیز مقیاس عدالت و راستکاری است . یعنی
مظهر و مظهر عدالت قوانین و شرایع مقدسه
است . که این عدالت بر حسب نسبتها و مواقع
ظهور و قیام خود اسامی و نامها برای خود پیدا
کند . و بهر لغتی و در هر موقعی و در هر اصطلاحی .
تعبیری از آن کنند . اگر در اخلاق است
آن اخلاق را حیده گویند یعنی بسندیده . که این
حیده یکی از نامهای عدالت است . زیرا در بعضی
مقاله ها و جاهای دیگر ازین ریز نامه عدالت
و اعتدال و استقامت را . میزان حسن و قبح
اخلاق قرار داده بودیم . که در اینجا تکرار آن
زائد است . تنها همینقدر بخاطر توانیم آورد .
که هر صفت و خلق نیکی در میان دو جنبه افراط
و تفریط . و در وسط دو صفت مذموم مخصوص
واقع شده است . (حلم) در میان خشونت
و بی عاری (سخاوت) در میان بخل و لئالت . و تدبیر
و اسراف (شجاعت) در میان نهور و جبن
(زکات) در میان جریزه ذهن و ولادت (وفار)
در میان جلالت و کبر . و هكذا بقدریک تصور و تعمق
فکر ما کار تواند کرد .

اگر این عدالت سرهم رفته بطور ملکه در افراد
و اشخاص ظاهر گردد . ایشان را عادلان
و راستکاران گویند . و در اغلب امور و اطوار
شریعت مزیت و شرافت آنها توضیح تواند
کردید

در قانونهای دولتی . (که آنها را نیز در صورت
راست بودن مقدس و لازم الاتباع باید دانست)
جاری میشود در قوانین شریعتی نیز ممکن است
بکار برده شود .

اکنون اگر عدالت را حکم کنیم . یعنی او را
بر خود حاکم دانیم . چگونه حکم خواهد کرد ؟
و مقیاس معاملات ما را درین مورد چه قرار خواهد
داد ؟

اگر کار را بیک کاسه کرده و سخن گوئیم . و محاکمه ها
در این مطلب نایم . سخن بدزاری کند . و بل
در آن سوی آب ماند . ولی چاره ممکن را که
در حق ترجیحی از انبای جنس مامقید تواند بود .
باید بپذیریم . و بر اساسیت و شرافت انسانیت
مختصمان . سزاوار ندانیم که بدلت و خسواری
رنگدانی کنیم . معهود جمله نارااستنیا بودن را
نک خود دانیم . ناراستی و ناراستی را بشناسیم .
و در اصلاح آن کوشیم در تحت برقی عدالت
و راستکاری . آزاد و آزاده باشیم و در حقوق جله را
برابری دیده و حق هر کسی را رعایت کنیم . تاحق
مانع مرعی گردد . داد انسانیت و آدمیت داده
شود . و وحدانیت صانع اعظم علیرا باطوار
روی بیت و قدرت اوتعالی در عدل و راستکاری فعلاً
و عللاً مشاهده نماییم .

اخبار داخلی

(اوضاع هرمک)

در ۲۹ ژانویه اخبار نویس بولتیه کورسودنچ
نوشته است

جناب احمد مختار پاشا بعد از آنکه اهل شورش را
مغلوب و پریشان کرد . آنها را تاحدود آرایش
تعاقب نمود . اهل شورش میخواستند در استحکامات
بوقوی و زوایی متحصن شوند . ولی مشیر
مشار الیه مهلت نداد خیال خود شانرا از پیش
ببند . و هجوم نموده تا انطرف آب تیره بین ایشانرا
بفرار مجبور کرد . اخبار نویس مرقوم در باب
محاربه که در یست و هشتم ماه مزبور در حوالی
قلعه دوز اتفاق افتاده است تفصیلات ذیل را
نوشته است .

در کاغذ آخری که بشما نوشته بودم خبر داده بودم که این روزها در راه نبره بین جنگ خواهد شد . جنگ موعود وقوع ییوست . چهار روز است شهر را کوزه بارخانه قره طاقیان و اهل شورش شده . راههای را کوزه از اهل شورش راست که در شمای ایشان علامت و حالت جنگ هنوز باقی است . روز چهارشنبه گذشته اعضای جمعیت شورش که در اینجا هستند با اهل شورش امر و دستور العمل میدادند . که بلا تأخیر معاونت (پلو) بروند که با عساکر دولتی جنگ میکنند . یک ساعت فاصله اهل شورش همین عزم دستمسته از شهر بیرون میروند . ولی از طرف دیگر با عرایه ها مجروحین قره طاغ را داخل شهر میروند . سه روز متوال را کوزه صدای تفت کشیده میشد .

روز چهارشنبه گذشته مقدار یک هزار و دویست نفر از عساکر دولتی در ضمن تفتش از نبره بین بطرف راکوزه حرکت کرده بودند . چهار دسته ایستار امر داده بودند . دوقله و قله در جوار (وادوان) را ضبط نمایند دستهای مزبور بفرموده عل نموده قله هارا گرفته بودند . فردای آنروز (یکو باولویج) با سه هزار کس از دوسم (و ما کیم باسویج) با هزار نفر از پشت سر آنها بدسته های مذکور حمله کردند . دسته ها منتظر امداد از جانب اردوی دولتی بودند و گرنه شبر می توانستند به تبریزین عودت نمایند . روز چهارشنبه جزئی زرد خورد در میان آنها و عاصیان شد ولی روز پنجشنبه جنگ شدید واقع گردید . وقت ظهر (باسویج) برادرزن حکمران قره طاغ . بضرب تبرصا کردولتی از پای درآمد . اهل شورش دزده بمقام انشقام برآمد و هجومی بشدت نمودند . تا وقت عصر حالت جنگ ممتد گردید تا آنکه مهمات و جبهه خانه تمام شد با شمشیر و سنگ جنگ میکردند .

سرهنگ عساکر دولتی جوانی بود جسور و غیرت مند و با وجود اینکه سه زخم برداشته بود باز شمشیر را درست داشت . و کسان خود را تشجیع مینمود تا هنگام شبر رسید و طرفین از جنگ دست کشیدند . شبانهگاه سرهنگ مومی الیه با یک نفر یوزباشی که زخم موثری داشت مشاوری کرده و قرار دادند که از ظلت شرفانده بردارند و به تبریزین عودت کنند بجهت آنکه نه آذوقه و نه مهمات جنگی و نه اطمینان از رسیدن کمک از جانب اردو داشتند چون روز شد اهل شورش آمده داخل قلعه شده دیدند غیاز چند نفر که شهید شده بودند کس دیگر در آنجا نیست . در این جنگ عساکر دولتی زیاده از حد اظهار شجاعت و جسارت نمودند . خود اهل شورش هم مدح و تحسین آنها را مینمودند . بقول اهل شورش در این جنگ صد و پنجاه نفر از ایشان تلف شده است . ولی از تحقیقات خارجه تلفیات ایشان خیلی زیادتر از اینها است .

مردن (باسویج) برای اختلال و هتک بسیار پزوکست . چونکه بودن او جان شورش بودی . پدرش سبب اختلال سال (۱۸۶۰) و سال (۱۸۶۲) شد و او مثل پسرش از تبرصا کر هتائیه مرده است . اهل شورش میگویند مردن (باسویج) برای اهل شورش علامت بدی میباشد

چونکه اختلال سنه (۱۸۶۲) دومه بعد از فوت پدرش ختم یافته بوده است .

(بقیه نظامنامه و کلبه های دعواها)

ماده بیست و دوم در حاشیه وکیل دعوائی که بحسب مأثوویت خود دعوائی را صلحا انجام میدهد و یا اینکه معاملا قی را که عاید بصفت حکم است اجرا میکند . اگر آن دعوا به محکمه بدایت متعلق شود اجرت بدایت را بموجب تعرفه و اگر باستیناف و محکمه تمیز عاید گردد اجرت اتها را کذاک بموجب تعرفه از وکل خود مطالبه خواهد کرد . و همچنین دعوائی که رضای طرفین در محکمه بدایت بطور قطعی رؤیت و فصل شده باشد وکیل دعوا در حضور محکمه استیناف در مقابل معاملات مخصوصه حق اجرت گرفتن را خواهد داشت .

ماده بیست و سیم موکلی که وکیل دعوا را عزل کند و یا اوراق و وثیقات را از دست او بگیرد مجبور است بدادن اجرت های مقتضه نوشجائی که تنظیم کرده نوشته است و همچنین مصارفی را که بجهت اسباب لازمه که قبول تواند شد کرده است . اگر عزل وکیل بعد از قرار دادن محکمه باحضار طرفین برای رؤیت و رسیدگی بدعوا و پیش از محاکمه باشد نصف اجرتی را که بموجب تعرفه از برای تمام محاکمه میباشد بگیرد مطالبه تواند کرد .

ماده بیست و چهارم مقدار اجرتی که وکلای دعوا بجهت دعواهایی که بعهدہ گرفته دریافت خواهند کرد بهر کدام از اقسام تعرفه که متعلق باشد آن قسم را در محضرات و نوشجائی که تنظیم می کنند باید درج نمایند و همچنین موافق ماده بیست و هشتم در دفتر و سیاهه و مقررات که خواهند نوشت در هر قریه نیز بیان و اشارت کرده خواهند شد .

ماده بیست و پنجم بجز از اجرت های قانونی مصارف مثله را که موافق قاعده و نظام باشد حق دارند از وکلای خودشان احتصال کنند . و همچنین اگر نتیجه حکم دعوائی که بعهدہ وکالت آنها است در ضرر موکل باشد صلاحیت مطالبه اجرتی را که بموجب تعرفه لازم می آید خواهد داشت .

ماده بیست و ششم وکیل دعوائی که اجرت مقتضه خود را مطالبه خواهد کرد در صورت امتناع موکل یک استدعاینامه بمعکمه که دعوا در آنجا رؤیت می شود سیاهه و صورت مقررات و نوشجائی که موکل بداتنا است میدهد . و اجرتی که طلب میکند با حضور طرفین تحقیق و تحقیق شده و بعد از تصدیق بهر چند فروش بالغ بشود جمع آنرا در بالای استدعاینامه ترقیم و عبارت تعیین و بلفظ (موجب تحصیلی) نوشته و تاریخ گذاشته شده و بعد از امضا کردن رئیس بهر محکمه مختم خواهد شد و مبلغی که حکم تحصیل آن شده است از جانب جمعیت اجرا تحصیل خواهد گردید .

(بقیه دارد)

اطفال یتیم و کداهها

بعضی از روزنامه ها مینویسند . در خصوص اطفال یتیم و یتیم که در کوجها سوال و تکدی بکنند . امری از جانب دولت بمعهد نظارت جلیله ضبطیه صادر گردیده . و برای اجرای اوامر سنیه از جانب نظارت مشارالیه . و امر اوامر بن عساکر ضبطیه اهتمام لازم بعمل آورده شده . اکنون را بقدر سی نفر از آن اطفال که در شوارع و کدرا کاهها باکل اصرار و ذات مشغول سوال بودند . جمع آوری شده در یک داره یعنی اطاق بزرگی در پهلوی داره مأمورین جنبخانه عمومی گذاشته . و برای آنها لباسها و اسباب آسوده کی فراهم گردیده . و مقرر شده است که معالما برای آنها تعیین شده . و آنها را از این حال دل و بیچارگی خلاصی داده . بدراج عل و ادب برتری داده باشند .

۳۰

این قرارداد و اینقدر اهمیتی که از جانب نظارت جلیله مشارالیه در ایجاب بعمل آورده شده است . حقیقه باعث امانت است . و تمام انسانیت باید اظهار تشکر کرد . این قدر راهم در این مورد لازم میدانیم اظهار تشکر بکنیم . که اگر از جانب حکومت سنیه در خصوص عموم مسئله و تکلیفان که در این باب تحت هستند . یک اصول مطرده و کافیه گذاشته میشد و مستحق و غیر مستحق آنها از روی تحقیق معلوم میکردید . و این کار در تحت اداره یکی از دوا ترسمیه که مناسب باین کار است . بیک کمیسیون حواله میشد و کداهانی که حقیقه مانعی از کار و کاسبی دارند . و ناچار از سوال کردن هستند معلوم شده . و آنها را که این شغل را صنعت آسانی برای خودشان داشته . و باعث ذلت و حقارت خودشان و ابائی وطن بل نامی انسانها شده اند . از این کردار زشت و ناصواب ممنوع میکردید . تا آنکه مجبور بکسب و صنعت و حفظ شرافت خودشان بشوند البته بهترین کارها بودی و نیز از باب حیت و کسایتکه میخواهند احسان و تصدق کنند تکلیف خود را تمام نمایند .

و در این حال با اعتقاد میتوان در ایجاب یک کمیسیون و بواسطه آن کمیسیون یک جمعیتی تشکیل و ترتیب داده شود . که هم اصحاب خیرات و احسان سالیانه مبلغی بصندوق آن جمعیت برای اداره فقرای حقیقه داده باشند . و هم صندوق عمومی بطورهای مخصوص در محال مقضیه گذاشته شود . که هر کس هر چه خواسته باشد بدهد بان صندوق بپردازد . و در این خصوص نظامنامه مخصوصی هم نوشته شود . و این کار کداهها در تحت یک قاعده و نظم انسانی و عدالتی درآمد این ذلت و حالت های نا کوار که از این طایفه در میان شوارع و محلات و جمعه ها دیده می شود بر طرف شود .

۳۰

صندوق بالیات ولایت سوریه را چندی قبل باز دید کرده . و یکصد و بیست لیرا فاضل آمده است . و بفاصله

یک هفته دیگر مجددا رسیدگی نموده اند . موازی شهرار لیرای عثمانی کم آمده است . این فقره را از امین صندوق سوال کرده اند . و جوابی نتوانسته است بدهد . لهذا اورا نگاه داشته و استعطاق او را اجرا می نمایند . (ترکی)

رسمی

از جانب بعضی اخبار شده است . که هرگاه اداره انحصاریه توتون را که در دو بیست و پنجاه فروش فروخته میشود . بهتر و اعلا تر از آن درست کنند . بجهت بالتر از آن خرید خواهد شد . بدین ملاحظه مقرر گردیده است . بطور فوق العاده یک قسم توتون بسیار اعلا و نفیس اعمال شده . و قیة آن در بیصد فروش رایج فروخته شود . یک من تبریز پانزده تومان میشود . و این قسم توتون حاضر شده و در قوطهای تنگ هر کدای نیم قیبه گذاشته شده است و مانند سایر توتونها . در دکان توتون فروشها هم موجود گردیده . و علی الامثال بجهت رایج فروخته می شود . بجهت اینکه طالبان را اطلاع حاصل آید مبادرت باعلان کیفیت کرده شد .

فی ۱۱ محرم سنه ۱۲۹۳

و فی ۲۶ کانونی سنه ۱۲۹۱

۳۰

چند روز پیش زنی در یوک آله حامله بوده است . و نزدیک بهنگام وضع حمل قابله بقاعده مقرره آورده . و پس از وضع حمل آژن از زیر پلین خود کسبه کدر آن دله را برده است در آورده . و دله را از آنرا بقباله میدهد . و او را راه می اندازد . همان شب در زمسلی بخانه زن آمده و داخل اطاق خوابگاه شده از زیر سر او کسبه پورا بر میدارد . در آن بین اهل خانه های و هوئی نموده . و بلزد مذکور هجوم می کنند . و او را میکوبند . و معلوم می شود . که این دزد همان قابله بوده است . که کد را سراغ داشته و بطمع هشت لیرا لباس مردان پوشیده و ریش و بشی برای خود درست کرده و مسلح شده است . این قابله را همان هشت تسلیم ضبطیه می کنند .

۳۰

(فقرات نظامنامه در حق اراضی است)

ماده اولی اراضی قری و مزراع و جنگلکها که بیحساب میری و باوقف عاید بوده . و بطور مزایده احاله و یا آنکه از طرف آحاد ناس بطور فراغ فروخته می شود . در تقوض و تفرغ اینگونه اراضی . تبعه مسلم و غیر مسلمه سیان میباشد . اگر چنانکه از اراضی میریه و موقوفه باتباع تعامل قدیمه امر تقویض به تبعه غیر مسلمه اجرا شده باشد . بعد از این آنگونه تعامل فسخ و لغو بوده . احکام قانونیه بطور سیان مجری خواهد گردید .

ماده دوم در خصوص اراضی و املاکی که مسلمه و غیر مسلمه از یکدیگر تفرغ میکنند نیز موافق احکام قانوننامه همایون معامله متناوبه اجرا خواهد شد .

ماده سیم صاحبان چ بختیک مزراع هستند که احاله می شود . و فراغ میکنند . در وقت خواهند داشت .

امسال بجهت اینکه ا هنگام عزیمت بجهت و یوغاز حیدیه زیارت رسالتیهای علیه و آله الص بودند . بعد از ایامی که آنکه باسلبول و این بدون تأخیر با و پوره های لازم اینصفتها شده کومبانی مذکور و واپو سید و پنجاه نفر از حجاب و از ایرانی و اهالی داغ و تندرستی وارد اسلامبول

(نصیحت)

در نسخه دیروزی (ج) داخله تفصیلی از منازعه دولت علیه ایران از نو چهار فوج (طاوور) سواره و پیاده جریه بسر طایفه مرقومه دولتی مغلوب و منتهز شده جبه خاتهای آنها را با یک اسب عشرت مرقومه اسب زرداد توپ وجیه ضیاء الملک شخص مع فرستاده شده است . و بعد از این مینویس گرفته شود درج و بیان اگر چه تفصیلات این بیان بکنیم . و فقط سخنی است . و روی مخزن بل بخود زوراء نیز عاید هر طکی و هر مملکتی و مطیع و عامی در میان بخی و عصیان در نهاد کرده . و برولی نعمت مقتضی میشود با آنها این کوشمال و ادبیه مودبه عقب می نشیند مغلوب میشوند . دولتی است و نه مایه اف زوراء عادت دبر بنده قاش خبرها بشنود یک آب و تابی بشنود سرافرازی و افتخار خ دیده شده است که این و الاخره معلوم کرد

توده اند
ده است
کرده اند
اورانکه
(ترکی)

هرگاه اداره
و بجاغروش
ت کنند
ملاحظه
توتون
ن درصدد
نبر پازده
حاضر شده
کذاشته
کان توتون
لشال بقیه
طالبان را
کرده شد
۲۱۳
نه ۲۹۱

ده است
مقرر
ازدیر باین
درآورده
می اندازد
اخل اطاق
برمیدارد
و بدزد
و معلوم
است
تیرا لباس
بود درست
همان هیئت

ست
جنگلها که
و بطور
ناس بطور
فرغ اینگونه
میباشند
اتباع تعامل
شده باشد
احکام
دید

کی که
نیز موافق
سایه اجرا

ماده سیم صاحبان چنت که در مزارع معروفه
بجفتلیک مزارع هستند در حین مزایده اراضی
که احاله می شود و یا آنکه در میان افراد ناس
فراع میکنند در وقت تقوض و تفرغ حق رجحان
خواهند داشت

امسال بجهت اینکه اکثر حجج ذوی الایتهاج
هنگام عزیمت بجهت مغفرت طراز از راه بنوع
و بوزان حیدیه زیارت عتبه مقدسه حضرت
رسالتناهی علیه وآله الصلوٰه والسلام مشرف شده
بودند بعد از ایفای فریضه حجه الاسلام
کسانیکه بسلامبول و این صفحات میبایست بیاید
بدون تأخیر با واپورهای کومبانی لوئید و سایرین
عازم اینصفحات شده و در روز باد و قطعه واپور
کومبانی مذکور واپور کومبانی روسیه بقدر
سیصد و پنجاه نفر از حجج که از اهالی ممالک عثمانیه
و از ایرانی و اهالی داغستان بوده اند بسلامت
و تندرستی وارد اسلامبول گردیده اند

(نصیحت برادرانه)

در نسخه دیروزی (جریده حوادث) در صفحه
داخله تفصیلی از منازعه عسرت بنی طرف با عساکر
دولت علیه ایران از زوراء روایت کرده بود که کوبا
چهار فوج (طاوور) عساکر دولتی و پنجهزار
سواره و پاده حریه در معیت سرکار ضیاء الملک
بسرطایفه مرقومه فرستاده شده و عساکر
دولتی مغلوب و منہزم شده اند و بچ راس
جبه خائهای آنها را بایک عراده توپ و پنج راس
اسب عسرت مرقومه اغتنام کرده اند و بجهت
استرداد توپ و جبه خانه و حیوانات از جانب
ضیاء الملک شخص معتمدی بایسد علی طوقاوی
فرستاده شده است و هنوز برنگشته بوده اند
و بعد از این میتوانند هرچه تفصیل در اینباب
کرته شود درج و بیان خواهد کرد

اگرچه تفصیلات این مطلب را هنوز مائی توانیم
بیان بکنیم و مقصودی در بیان این منازعه
نیست فقط سخنی چند در اینجا گفتن بمرالزم
است و روی سخن نه تنها بمریدان حوادث است
بل بخود زوراء نیز باید تواند بود معلوم است
هر طکی و هر مملکتی هر گونه تبعه و اهالی را دارد
و مطیع و عامی در میان آنها پیدای می شود و کاهمی
یعنی و عصبان در نهاد جبهال یک قسم تبعه طغیان
کرده و بر وی نعمت خود می شورند و مقام
مقتضی میشود با آنها کوشمال داده شود و در ضمن
این کوشمال و تأدیب اتفاق می افتد که کجایت
مؤدبه عقب می نشینند و یا آنکه بر فرض تسلیم
مغلوب میشوند این یکی نه کسر شان یک
دوای است و نه مایه افتخاریک هم سایه حال آنکه
زوراء عادت در برینه خود کرده است که هر چه ازین
قاش خبرها بشنود بدون تحقیق و واری آنها را
یک آب و تابی بستمهای خود درج کند و مایه
میرافرازی و افتخار خود سازد و یا آنکه مکررا
دیده شده است که انقسم اراجیف را منتشر کرده
و بالآخر معلوم گردیده است که فضیه بکلی

منعکس و یا خود مطلب اصلا بی اساس است
همچنانکه در چند ماه پیش وقوع همچنان جلثرا
در حجره منتشر کرد و بعد عکس آن بطوری
معسوم گردید که خود نیز نتوانست برده کثی
نماید و خواه و ناخواه در نسخه های خود نوشت
همین قریه را که می نو اسد باید ملاحظه کرد که بنی
طرف یک طایفه است از عشار جو بره و اینقدر عسکر
و تدارک بجهت تنبیه و تریه آنها فرستادن فوق
کفایت مقصود است گذشته ازین چهار طاوور
عسکر و پنجهزار سوار و پاده را هم باید فهمید
که بجهت معنی است پنجهزار سواره و پاده که نوشته شده
است پس چهار طاوور عسکر کدام است
داخل سواره است یا پیاده این را هم باید دانست
حاکم دستول کسست و سرکار ضیاء الملک
فرستاده از جانب حاکم کدام است در بالامنیوید
منازعه با عسرت بنی طرف واقع گردیده
در دوسطر باینتر میگوید بسوی عشار
مرقومه سوق عسکر شد از اینها هم بگذرم توپ
و جبه خانه و اسب را که باغبان و عاصیان برده باشند
بعبارت اغتنام نوشتن که غالب استعمال آن در مقام
جهاد و گرفتن از دست مخالف دین و مذهب استعمال
میشود از چه راه بوده است مز کار اینجاست که
میگوید ضیاء الملک بعد از مغلوب و منہزم شدن
واسطه فرستاد و التماس کرد که توپ و جبه خانه
و اسبهای مرا پس بدهید و غیر بتر این است که
مخبر زوراء خیلی عجله داشته است که تأمل
نکرده است به بنید آیا فرستاده های سرکار
ضیاء الملک مقضی المرام و پینل مقصود بر میگردند
یا خبر تا آنکه خبرهای مقضیانه خود را بآخر
برساند

الحاصل از زوراء چندان تعجب نداریم که
با وجود همجواری دوری از معنویت و اهمیت روابط
و مناسبات دولتی علین حاصل کرده
و از باب عذرتی که بر قیادت در آنجاها نموده اند
اینگونه اراجیف را شان و افتخاری برای خودشان
دانسته و می نویسند و کسی هم تحمل خیال منع
کردن آن از این حالات نیافته است و هر چه از ایران
حوادث و اخبار نا کوار صحیح و غیر صحیح می شنود
در صحیفه ها درج می نمایند لکن از حربه حوادث
که در میان روزنامه ها و کازهای پای تحت بقاعده دانی
و آداب شناسی موصوف باشند باین تأمل این تفصیلا
از زوراء گرفتن و در کمال اهمیت در صحیفه داخلیه
درج نمودن بعید است

اعتقاد ما این است که اگر قدری تأمل نمایند خواهند
دانست که این وزیر و اسلوب زوراء مؤسس نیست
مگر باطوار رقیبان متفوره و بی ملاحظه کی وعدم
رعایت روابط و نکات و مناسبات مادیه و معنویه
دولتین علین اسلام که امروز مردمان هوشیار
و مأل بین و حقیقت شناس در حفظ و احوال آن روابط
و مناسبات تکلیفهای بسیار بزرگ دارند و بالجمله
چون این روش حقیقه مایه تأثر و تأسف است
و اشعار با کاهی از زمینیه مطلب قرض برادری
و اتحاد ما است در مقام خیرخواهی و ملتفت کردن
به بعض نکات مبادرت خالصانه بنگارش این چند کلمه
کرده شد

و بالآخر معلوم گردیده است که فضیه بکلی

چند روز قبل مبلغ زیادی پول بشلک متالک قلب
از جزیره مانطه بسلامبول آورده بودند از جانب
مأمورین رسومات ضبط شده است و از طرف
امانت مشارالیهها در اینباب همه مأمورین کرک
که در ابالات و بنادر هستند اوامر مخصوصه رفته
است که دقت لازم را بعمل آورده نگذارند اینگونه
پولهای قلب داخل در ممالک محریسه عثمانیه
بشود

سه روز قبل یکی از مأمورهای سیکارت از اداره
انحصار بیرون می رفته است یکی از مأمورین
تفتیش که قولی باشد جلو او را گرفته و نگاه
داشته و از جیب او یک قیه توتون بیرون آورد مأمور
مذکور دست ضبطیه تسلیم شده و باستطاق
او برداختند

در مکتب صنایع از روی اوزنک توله های که از این
آمده است پنج عدد توله می سازند کونت یعنی
معل توله های تازه توله های مذکور را دیده
و زیاد تحسین کرد

تلکراف است که از جانب (اژانس) تلکراف
روسیه نوشته شده است بطوریکه در تلکراف لندن
نوشته شده است اخباری که در خصوص
برهم زدن شورش هر سک اتفاق دولتمار شایع
شده است صحیح نیست هیچ مرکز عصبانی
نمیگردد اعلان کردن مقتدر نتواند بود در هر حال
تصدیق میتوان کرد محل انتظار بودن نتایج
دیپلماتیکی صریحاً را اراجی که در خصوص
مائل باستغاث بودن جزایر قوقان ظاهر و متواتر
شده است بی اصل میباشد پس از قدری
استراحت بعزم انجام دادن بی نظمی که در خوقد
هست بحمل مأموریت خود مراجعت
خواهد کرد جنرال (اسقوبلف) دو روز
شهر تدیجان را توپ گرفته و شهر را کوبید و پس
از آن بمجموع و قله ضبط کرد و در سرای هالک
دعا کرده شد عاصیان قبیضای امان
خواستند

بسران دنت پلتر نام که از صرافهای لندن است
پیشتر نوشته بودیم بسلامبول آمده اند مومی الیهما
بمحضور جناب منطاب افتم صدارتیناهی شرفیاب
شده و بخدمت بعضی از وکلای فقام نیز رسیده اند
بعد از چند روز دیگر بسمت لندن عازم خواهند
گردید

(مطالعه)
(مستر هوموند) که چند روز پیشتر از اینجا
رفت و این دو مخدوم دنت بالمر کوبا تکلیف
خود شان را در رفتن از اسلامبول دانسته اند
و یقیناً این آمدن هم بجهت اقامت در اینجا نبوده
است کاش اینها در جای خودشان بختهای
خود را که داشتند با هم دیگر در اینجا بچسبان آورده
و تکلیف خود را بی زحمت معین میکردند

تصحیح

در نسخه دیروزی غره (۱۸) درستون چهارم
صفحه سیم در آخر قریه کاز لوانت هرا لد
ترجیه شده است

بجای چهار صد هزار چهار هزار نوشته شده
است بجهت تصحیح مطلب تصریح کرده شد

(خبرهای تلکرافی)

(فرانسه)

پاریس ۸ فوریه

میگویند عموم دول اروپ اهل شورش هر سک
و بوسنرا بترک اسلمه دعوت خواهند کرد
امید واری هست که اهل شورش باین دعوت
اطاعت کنند

انگلین

لندن ایضا

پارلنت کشوده شد نطق علیا حضرت قرا لیه
انگلین تصدیق میکند مناسبات و کال دوستی
دولت انگلین را بدولت اروپ و در باب شورش
هر سک و بوسنه بیان نمودند که این شورش
درو هله اولی دقت دولتهای اروپ را باعث
شد و ما وظیفه خود دانستیم که از موافقت
بامتغنان خود که اهتمام در باب اعانه آسایش و رفع
شورش میکردند پای پس نکذاریم این است که
بمهرای دولتهای دیگر مناسبت دیدیم در باب لزوم
اصلاحات بیابالی اخطار و یاد آوری نمایم هم
شرائط استقلالیت دولت علیه عثمانیه را رعایت
کرده و هم اسباب ناخشنودی تبعه عیسویه
پرداشته شود امید وارهیم که شورای ملت
تصدیق نماید کیفیت خریدن حصه های قتال
سویس را بعث اینکه این معامله موافق منافع
عمومیه انگلستانست

ایتالیا

روما ایضا

جناب قاردینال اتونالی و کبل اول اعلا جناب پاپ
خیلی ناخوش است

انگلین

لندن ۸ فوریه

وقت سفر رفتن دوک و دیشورغ زن او که دختر پاپا تور
روسیه می باشد پیش پدر خود خواهد رفت

(اسپانیا)

مادرید ایضا

عسا کردولتی (ببقالیا) و (الالو) را کلیا از دست
قاردینسها خلاص کردند

(ممالک عثمانیه)

(مملکتین)

بکیش ایضا

شورای ملت لایحه تأیید وزیر حریره را تصدیق
نمود وزیر مومی الیه بیان کرد بولیتیک حکومت
بولیتیک صلح و آسایش و بی طرفی خواهد بود

(روتر هواس)

